

گرفته است که هنگام عبور از رودخانه، با کج کردن بارش در رودخانه، و حل کردن نمک در آب، از وزن بارش کم کند و به این ترتیب به او ضرر زیادی وارد کرده است! تالس به او توصیه کرد که یکبار به جای نمک، اسفنج دریایی بار الاغش کند! و مشکل مرد برای همیشه حل شد!

✎ **ارشمیدس**، ریاضی‌دان و فیزیک‌دان شهیر یونان باستان، وصیت کرده بود که روی سنگ قبرش تصویر یک کره را که در آن استوانه‌ای محاط شده است، حک کنند! و به وصیتش هم عمل کردند. جالب این است که در قرن گذشته، این سنگ قبر کشف شد و اکنون در موزه شهر «سیراکوز» یونان نگهداری می‌شود!

✎ **رنه دکارت**، فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی قرن شانزدهم، واضع هندسه تحلیلی (مختصاتی) بود. داستانی است که می‌گوید او این کشف را از مشاهده حرکت یک مگس نشسته بر روی دیوار اتاقش به دست آورد! زیرا تصور کرد که مسیر حرکت مگس نسبت مستقیمی با فاصله آن از دو طرف دیوار در هر زمان دارد!

✎ درباره **اسحاق نیوتون**، ریاضی‌دان و فیزیک‌دان مشهور قرن هفدهم، روایات جالب بسیاری وجود دارد که اکثر آن‌ها درباره حواس‌پرتی مفرط اوست! مانند این داستان مشهور که هنگام جوشاندن تخم‌مرغ، برای اندازه‌گیری زمان، از خدمتکارش یک ساعت گرفت. اما ساعتی بعد خدمتکار دید که نیوتون، تخم‌مرغ در دست، در حال تفکر است ولی ساعت درون آب جوش است! این می‌تواند یک قصه باشد، اما یک روایت کاملاً واقعی از زندگی نیوتون وجود دارد که طبق آن، وی زمانی یکی از دوستان نزدیکش را برای صرف ناهار دعوت کرد و خدمتکارش ناهار را که جوجه پخته‌ای بود و زیر سرپوش قرار داشت، برایشان آورد و روی میز گذاشت. اما کمی بعد نیوتون از اتاق خارج شد و بی‌توجه به مهمان برای کاری از خانه بیرون رفت. ساعتی گذشت و مهمانش چون گرسنه بود، سرپوش را برداشت و تمام جوجه را خورد و استخوان‌هایش را جا گذاشت!

بعداً نیوتون برگشت و با عجله به سر میز رفت. سرپوش را برداشت و چون استخوان‌ها را دید، به مهمانش گفت: «اوه! معذرت می‌خواهم، یادم نبود که ناهار را خورده‌ایم!»

ایستگاه دوم:

حکایت‌های شنیدنی از زندگی ریاضی‌دانان



✎ **تالس ملطی** (یا میلئوسی) یکی از هفت حکیم برتر یونان باستان بود. درباره اندیشمندی و خرد او روایت‌های بسیاری به ما رسیده است. زمانی، برای آنکه به نادانانی که تصور می‌کردند، دانشمندان چون تنبل‌اند و نمی‌توانند ثروت‌اندوزی کنند به دانش‌اندوزی روی آورده‌اند، تالس ثابت کند که تصورشان نادرست است، وی چندماه قبل از فصل برداشت محصول زیتون مزارع ناحیه خود، همه دستگاه‌های روغن‌کشی موجود در آنجا را خریداری کرد. هنگام چیدن زیتون‌ها که رسید، همه نیازمند دستگاه روغن‌کشی بودند که در تمام شهر نایاب شده بود! در این وقت، تالس با اجاره دادن دستگاه‌های خود ثروت هنگفتی اندوخت! البته بعد همه آن ثروت را صرف اشاعه دانش کرد!

و باز در مورد او روایت شده است که روزی مردی به او مراجعه کرد تا از او برای مشکلی که داشت، چاره‌جویی کند. مرد گفت که کارش بار کردن نمک بر پشت الاغ و رساندن آن به مناطق اطراف است. الاغ یاد



نیوتون

دکارت

ارشمیدس

تالس